

چشم‌ها را باید شست

مجموعه اشعار

دکتر محمد رضا بختیاری

عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور

۱۳۹۱

سرشناسه	بختیاری ، محمدرضا
عنوان و نام پدیدآور	چشم‌ها را باید شست/ مجموعه اشعار محمدرضا بختیاری.
مشخصات نشر	ارومیه: شرکت تعاونی انتشارات دنیای کتاب واژه ارومیه، ۱۳۸۹.
مشخصات ظاهری	۱۲۸ ص.
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۵۵۱۸-۰۰۰-۹
وضعیت فهرست نویسی	فیبا
موضوع	شعر فارسی -- قرن ۱۴
رده بندی کنگره	۳۳۴/۶۲۳۸۹PIR۷۹۶۲/۵۵
رده بندی دیویی	۸۶۱/۶۲
شماره کتابشناسی ملی	۵۲۳۱۳۰۳

عنوان کتاب: چشم‌ها را باید شست

مولف: دکتر محمدرضا بختیاری

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۵۱۸-۰۰۰-۹

ویراستار: شیوا مصطفی زاده (مدرس و کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی)

نوبت چاپ: اول

سال چاپ: ۱۳۹۱

ناشر: دنیای کتاب واژه با همکاری نشر میلاد سرخ

تیراژ: ۳۰۰۰

قیمت: ۴۰۰۰ تومان



آدرس نشر واژه: خیابان دانش ۲- نرسیده به تقاطع باکری - ساختمان تایماز

طبقه دوم - واحد ششم - تلفن: ۲۲۵۴۴۱۳ ۰۴۴۱ - همراه: ۰۹۱۴۳۴۹۵۵۲۷

نشر میلاد سرخ: ۰۹۱۴۳۱۵۳۰۱۰ - ۰۹۱۴۶۰۰۳۰۱۰

فهرست مندرجات

صفحه	عنوان
۹	سپاس
۱۱	کاروان زندگی
۱۳	دفتر نخست
۱۴	صبح ادینه
۲۳	دست بیعت با علی (ع)
۲۹	عاشورا
۳۴	رهایی
۳۹	دمی با حافظ
۴۱	یادمان دوست
۴۸	حصار
۵۲	حق استاد
۵۴	مادر
۵۶	برگ عیش
۵۷	خزان
۵۸	شکوفه لبخند
۵۹	لبخند
۶۱	شب یلدایی
۶۳	برق نگاه
۶۴	صدای باران
۶۵	آزاده
۶۷	سنگ صبور

۶۸	با تو
۶۹	دفتر دوم (شعر نو)
۷۰	چشم ها را باید شست...
۷۴	قصه شیوا
۷۶	دمی با شهراب
۷۹	کرانه
۸۱	کوچه های خیال
۸۲	شهر من
۸۵	فنا
۸۷	من کیم؟
۹۰	چرخ فنا
۹۲	هوای خانه
۹۳	دمی با زمستان اخوان
۹۶	نوای عشق
۹۷	پرستو
۹۸	مرگ جنگل
۱۰۰	اندیشه پرواز
۱۰۴	اهل ایرانم
۱۰۶	دشت غریب
۱۰۹	خداحافظ
۱۱۱	زهرخند
۱۱۴	دفتر سوم (رباعی و دو بیتی)
۱۱۵	شوکت
۱۱۵	زبان حسن
۱۱۶	مستان

۱۱۶	قاصد
۱۱۷	تنور محبت
۱۱۷	خوشه فریاد
۱۱۸	نیاز
۱۱۸	برگ ریزان
۱۱۹	رنج شام
۱۱۹	کبوتر مهاجر
۱۲۰	رهگذر
۱۲۰	ابر بهاره
۱۲۱	ترنم وصل
۱۲۲	همراز
۱۲۲	دیدار
۱۲۳	اشک فراق
۱۲۳	وفا
۱۲۴	شقایق
۱۲۵	دوست
۱۲۵	حدیث
۱۲۶	جیحون
۱۲۶	شکنج زلف

پیش گفتار

در این مجموعه نمونه ای از اشعار حقیر آمده است که تحت عناوینی در مناسبت ها یا اتفاقاتی خاصی از زندگی سروده شده است. در اینجا جا دارد از دوست هم کلاسی ام در دوره کارشناسی در دانشگاه تبریز ، جناب آقای مصطفی علیپور (استاد و شاعر معاصر) قدردانی نمایم چرا که در اوایل سرایش اشعارم یار خوبی برای من بودند و تعدادی از اشعار یاد شده ملهم از واژه هایی است که از آن بزرگوار به عاریت برده ام.

WWW.KETABDARI.COM

سپاس

قَوِّعَلَى خَدْمَتِكَ يَا كَرِيمِ
چشم بصیرت بتو بینا شده
«مَاعَرَفَ اللهُ» به خود خوانده اند
باتو تفکر چه کند همسری؟
شافی آلامِ دلِ خستگان
روشنی دیده بینندگان
یکتب الاعمالِ بامِ الکتاب
هیچکس از ذات تو آگاه نیست
جلوه نمودی به همه کائنات
بندِ رهایی خمِ گیسوی تست
حمد و ثنا از همگان برتویاد
حرمِ معشوق نباید شکست
بنده همان به که سخن کم زند
بشکند آن کس که به روی آوری
بر تو پناهیم «رَبِّ الْفَلَقِ»
کعبه مقصود نگر ای حکیم
جرعه فشان بردلِ شخصِ غریب
از کرمت سفره دل باز کرد
نصرت تو بیشتر از پیش بود
«شمس» تویی ای شه نیکو نقاب

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
ای ز خودت همه پیدا شده
از صفت خلق فرو مانده اند
ای که از اندیشه ما برتری
محرم اسرار زبان بستگان
چشمه پر نور فروزندگان
داور و روزی ده یوم الحساب
جز تو کسی را به جهان راه نیست
از کرمت بود وجود و حیات
دامگه دلشدگان موی تست
نوحه گرت عالم و «کلّ عباد»
چون قلم وصف درآمد به دست
از جبروتت چه کسی دم زند؟
محترم آن کس که تو روی آوری
نام ترا خواند نبی از «علق»
همسفرم بود «امیر سلیم»
جرعه کش خوان توام ای معجب
فکرت من چون سخن آغاز کرد
کار من از طاقت من بیش بود
چون که سخن رفت از آن «آفتاب»

ما همه دیوان ، تو سلیمانِ ما
حرمت نان و نمکت برده ایم
حق وفای نمکت کاشتن
حکمت «تجلیل» نگر ای جمیل
ملجاء وی سلسله فاطمی است
خیل جهان را سر و سرهنگ بود
قربت تو، منزلتسی عالی است
«سوره الاسراء» سیر پرواز را
مثل علی، کشته به محراب ، او
مفتخری در دو جهان «بختیار»

مرده دلانیم تویی جان ما
از سر خوانت نمکی خورده ایم
رسم نمک چیست؟ وفا داشتن
یار نمودی به من عقل «جلیل»
بارگهت، قبله گه «حاکمی» است
احمد مرسل که سرهنگ بود
بارگهت، در گه «اجلالی» است
«نون» و «قلم» بین و بخران راز را
معبدن علم است نبی ، باب او
لطف الهی چو شود بر تو یار

« مولف »